

تاریخ بخارای نرشخی

نمونه‌ای نفیس
از
تاریخ‌های محلی

● دکتر سید ابوالقاسم فروزانی

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

- تاریخ بخارا
- تألیف: ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی (۲۸۶-۳۴۸ ق)
- ترجمه: ابونصر احمد بن محمد بن نصر قباوی
- تلخیص: محمد بن زفر بن عمر
- تصحیح و تحشیه: سید محمد تقی مدرس رضوی
- ناشر: انتشارات توس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.

کتاب‌هایی که در باب تاریخ شهر یا ناحیتی خاص نوشته شده و با عنوان تاریخ‌های محلی مشهورند، در میان منابع و مأخذ تاریخ ایران به دلایلی چند از اهمیت و اعتباری ویژه برخوردارند. از جمله این دلایل یکی آن است که به قول استاد دکتر زرین‌کوب «در باب سلسله‌های مستقل محلی که قسمت عمده تاریخ ایران قبل از صفویه حاوی آنست مهم‌ترین مرجع در واقع تاریخ‌های محلی خواهد بود»^۱. علاوه بر آن اطلاعاتی که این‌گونه کتب که «غالباً مشحون از انواع اطلاعات و اخبار مفید و کم‌نظیر و در بعضی موارد نیز حاوی قصه‌ها و روایت‌های مبالغه‌آمیزست»^۲، از ویژگی‌های جغرافیایی، حوادث تاریخی، اوضاع اقتصادی و مسائل اجتماعی و فرهنگی منطقه مورد نظر در طی قرون و اعصار ارائه می‌دهند، بسیار سودمند است.

شادروان علامه محمد قزوینی در مقدمه‌ای که بر تاریخ بیهق (تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی) نوشته است، بر اهمیت توجه به تاریخ‌های محلی تأکید ورزیده عقیده دارد که: «چون اطلاع از تاریخ عام هر مملکتی کما هو حق موقوف به اطلاع از تواریخ خصوصی هر ناحیه از نواحی مختلفه آن مملکت است لهذا برای تألیف تاریخ جامع مبسوطی از ایران... قبل از همه چیز لازم است که تواریخ محلی ولایات مختلفه ایران متدرجاً تصحیح و طبع شده... در محل دسترس فضلا نهاده شود تا مواد لازمه برای تألیف تاریخ عام مذکور به تدریج فراهم گردد»^۳.

راجع به دلیل توجه به تألیف تاریخ‌های محلی در کتاب مدخل تاریخ شرق اسلامی تألیف ژان سواژه آمده است که: «دوران حکومت‌های بزرگ طبیعتاً برای تدوین تواریخ گسترده مساعدتر است و در دوره‌های تجزیه سیاسی تواریخ محلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد»^۴.

ضعف و انحطاط دستگاه خلافت عباسی که بویژه بعد از مرگ خلیفه معتمد آغاز شد، به افزایش قدرت حکومت‌های محلی منجر گردید و سلسله‌های محلی به حمایت از دانشمندان و ادیبان در حوزه حکومت خود پرداخته آنها را به تألیف کتب علمی و ادبی تشویق کردند. فرمانروایان محلی با اعطای هدایا و پاداش‌های لایق، در جذب دانشمندان و ادیبان سایر ممالک به دربار خویش کوشش داشتند. به قول بارتولد «پاشیدگی امپراتوری اسلامی می‌بایست به پیشرفت دانش و ادب لاقلاً از لحاظ کمیت کمک کند»^۵.

بعد از تجزیه قلمرو خلفا آثار جدیدی در باب شناخت مناطق محلی به وجود آمد که در این‌گونه آثار، مجموع جهان مدنظر نویسنده قرار ندارد بلکه وی تنها به محدوده سیاسی خاصی که در آن بسر می‌برد متوجه است. در نتیجه این امر تک‌نگاری‌های بسیار دقیقی تألیف گردیده که طبعاً متأثر از وطن‌پرستی محلی است»^۶.

راجع به انگیزه تدوین کتاب‌های تاریخ محلی، دکتر زرین‌کوب معتقد است که «... در واقع موجب تألیف این‌گونه تاریخ‌ها در اوایل ظاهراً تا حدی تدوین اطلاعات در باب کیفیت فتح بلاد بوده است تا در مورد

اخذ و جمع مال خراج اساس و زمینه موثق و درستی در دست باشد و چون درین باب برحسب آن که شهری به صلح گشوده شده باشد یا به جنگ حکم خراج تفاوت داشته است، در هر شهری از قدیم واقفان و علاقه‌مندان به تدوین اطلاعات و جمع اخبار می‌پرداخته‌اند و بعدها دیگران بر آن اطلاعات و اخبار مطالب تازه می‌افزوده‌اند و سوانح احوال امراء و سلسله‌های محلی را نیز یادداشت می‌کرده‌اند»^۷.

بارتولد کتاب تاریخ ولایة خراسان نوشته ابوالحسن علی بن احمد سلمی را که در نیمه اول قرن چهارم هجری در خدمت امرای چغانیان بود، منبع اصلی مؤلفانی می‌داند که اطلاعاتی مشروح در مورد تاریخ خراسان و ماوراءالنهر بدست داده‌اند. وی ابوالقاسم عبدالله بن احمد بلخی کهمی (متوفی به سال ۳۱۹ هجری) مؤلف کتاب‌های محاسن آل طاهر و مفاخر خراسان را از اسلاف سلمی دانسته است.^۸

متأسفانه اصل هیچ‌کدام از تألیفات که در عهد سامانیان در باب تاریخ پاره‌ای از شهرهای متعلق به قلمرو حکومتشان نوشته شده، باقی نمانده است و اطلاع ما از کتاب‌های مذکور یا از طریق مطالبی است که درباره آنها در دیگر تألیفات آمده یا برگزیده‌هایی از آن کتاب‌ها که در تألیفات چون الانساب سمعی ذکر شده است. همچنین تلخیص و ترجمه‌هایی به زبان فارسی از بعضی تواریخ محلی باقی مانده است که تاریخ نیشابور تألیف ابن‌البیع (حاکم نیشابوری) و تاریخ بخارا تألیف نرشخی از آن جمله‌اند.

بارتولد ضمن بیان این مطلب که باید بیشتر تاریخ‌های محلی را که در باب شهرهای ماوراءالنهر به رشته تحریر درآمده‌اند، مذهبی خواند نه تاریخی دلیل می‌آورد که مؤلف این‌گونه آثار عادتاً کلمات قصاری منسوب به پیامبر اکرم (ص) و اصحاب آن حضرت را در یاب محاسن شهر خویش نقل کرده «وزان پس شیوخ و مقدسینی را که از شهر برخاسته‌اند برمی‌شمرد و برای شرح دیگر وقایعی که در زندگی شهر روی داده جای کمی باقی می‌ماند»^۹. اما با توجهی گذرا بر مطالب کتاب مورد بحث ما (یعنی تاریخ بخارا تألیف نرشخی) مشخص می‌شود که ذکر احادیثی در فضیلت بخارا از پیامبر اکرم (ص) و اصحاب و تابعین او موجب بی‌توجهی به مسائل دیگر مربوط به آن شهر نشده است.

بنا به نوشته سید محمد تقی مدرس رضوی درباره تاریخ بخارا هشت کتاب تألیف یافته و احتمالاً تاریخ بخارایی که ابوعبدالله محمد بن اسماعیل جمفی الحافظ صاحب صحیح بخاری (متوفی به سال ۲۵۶ ه. ق) نوشته، از همه قدیمی‌تر است. اما از آن میان تنها تلخیصی از ترجمه تاریخ بخارای نرشخی و تاریخ مزارات بخارا (تاریخ ملازاده) تألیف احمد بن محمود باقی مانده است.^{۱۰}

سمعی در الانساب، ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی (مؤلف تاریخ بخارا) را از اهالی بخارا متولد سال ۲۸۶ و متوفی به سال ۳۴۸ ه. ق دانسته است.^{۱۱} ابوبکر محمد نرشخی کتاب تاریخ بخارا را در سال ۳۳۳ ه. به زبان عربی تألیف و به امیر حمید نوح بن نصر سامانی تقدیم

نموده است. در سال ۵۲۲ هـ. ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی کتاب تاریخ بخارا را از عربی به فارسی برگرداند. مترجم خود در این باره می‌گوید: «... و بیشتر مردم به عربی رغبت نمایند. دوستان از من درخواست کردند که این کتاب را به فارسی ترجمه کن. فقیر درخواست ایشان اجابت کردم و این کتاب را به پارسی ترجمه کردم...»^{۱۲}

آنچنان که در سطور آینده خواهیم دید ابونصر احمد قباوی مطالبی را از کتاب تاریخ بخارای نرشخی حذف و قسمت‌هایی را به آن اضافه نموده است. در سال ۵۷۴ هـ محمد بن زفر بن عمر ترجمه کتاب تاریخ بخارا را مختصر کرده به صدر صدور جهان خواجه امام عبدالعزیز بخاری حنفی (رئیس شهر بخارا) پیشکش کرد.^{۱۳} از آنجا که در کتاب تاریخ بخارای موجود از حوادث مربوط به بعد از سال ۵۷۴ هـ (مانند تسخیر بخارا توسط سلطان محمود غزنوی در سال ۶۰۴ هـ و تصرف آن شهر توسط تاتاران به رهبری چنگیز در سال ۶۱۶ هـ) سخن رفته،^{۱۴} معلوم می‌شود که بعد از محمد بن زفر شخصی ناشناس مطالب مذکور را به کتاب تاریخ بخارا اضافه کرده است. باری، کتاب تاریخ بخارا که به قول مترجم آن «در ذکر بخارا و مناقب و فضائل او و آنچه در وی است و در روستاهای وی از مرافق و منافع و آنچه به وی نسبت دارد و ذکر احادیثی که در فضیلت بخارا آمده است...»^{۱۵} می‌باشد، کتابی است نفیس و ارزشمند و دارای اعتباری ویژه از حیث مطالب تاریخی و اجتماعی. در این کتاب از ناحیه بخارا و ضامان آن از قبیل کریمیه، زندنه، و رخشه و بیکنند، بنای ارگ بخارا، ربض و دیوار بخارا، خراج بخارا و نواحی آن، نحوه فتح بخارا توسط مسلمانان، بنای مسجد جامع، تقسیم بخارا میان عرب و عجم، قیام شریک بن شیخ المهری، خروج المقتن، کیفیت قدرت‌یابی آل سامان و حکومت امرای سامانی تا ابوالحارث منصور بن نوح، سخن رفته است. استاد دکتر عبدالحسین نوایی معتقد است که محتوای تاریخ بخارا فراتر از یک تاریخ محلی است. وی می‌گوید: «تاریخ بخارا اصلاً تاریخ محلی است، از آن دسته کتب که در تاریخ ناحیتی خاص نوشته شده... اما اشتمال این کتاب بر تاریخ سامانیان و ذکر فرد آنان و کیفیت نفوذ و رسوخ اسلام و ظهور مخالفان اسلام و عرب مانند المقتن و دیگران بیشتر بدین کتاب جنبه تاریخ به معنای عام داده تا یک تاریخ محلی، هر چند که از این لحاظ نیز مطالبی که در این کتاب آمده، از لحاظ بافت شهر و نخستین مسجد و منابر آن و محلات شهر بسیار دلکش و شیواست.»^{۱۶}

بارتولد ضمن اشاره به این موضوع که «متن اصلی آن بیش از تواریخ دیگر شهرها حاوی اطلاعات تاریخی بوده»^{۱۷} ادامه می‌دهد که «نرشخی گاه مشروح‌تر از طبری درباره لشکرکشی‌های اعراب سخن می‌گوید. ظاهراً مؤلف از آثار مورخان عرب (زبان) که دست ما نرسیده استفاده کرده است و حتی در یکجا علی‌الظاهر به «مدائینی» استناد و اشاره می‌کند.»^{۱۸} پاره‌ای از مطالب تاریخ بخارا از مشاهدات مؤلف و بعضی از شنیده‌های او از مطلعین معاصر وی می‌باشد. اما راجع به حوادث پیش از زمان مؤلف، منابع اطلاعات

او آثار پیشینیان می‌باشد. مترجم کتاب (ابونصر احمد القباوی) نیز ضمن حذف مواردی که به قول وی ملال‌آور بوده، مطالبی را از مآخذ دیگر به این کتاب افزوده است به عنوان مثال وی در بحث راجع به المقتن یا استناد به اینکه مطالب مؤلف کتاب (محمد بن جعفر نرشخی) در آن زمینه کامل نیست، با استفاده از کتاب شخصی به نام ابراهیم (که او را صاحب اخبار مقتن می‌خوانند) و کتاب محمد بن جریر طبری، مطالب راجع به المقتن را کامل کرده است. وی در این مورد می‌گوید: «محمد بن جعفر (نرشخی) در کتاب خود این فصل را آورده است لیکن ناتمام و ابراهیم که صاحب اخبار مقتن است و محمد بن جریر الطبری آورده است...»^{۱۹}

متأسفانه اصل کتاب تاریخ بخارای نرشخی به زبان عربی از میان رفته است. همچنین از ترجمه فارسی این کتاب که توسط ابونصر احمد القباوی انجام پذیرفته، اثری باقی نیست. در واقع کتابی که امروزه با نام تاریخ بخارا در دسترس ما است همان تلخیصی است که محمد بن زفر از ترجمه تاریخ بخارا به عمل آورده است. در مورد محتوای این کتاب در سطور قبل توضیح داده شد. راجع به نشر تاریخ بخارا، دکتر ذبیح‌الله صفا معتقد است که نشر این کتاب «... ساده و بسیار روان و بی‌پیرایه است»^{۲۰}. مدرس رضوی نیز عقیده دارد که: «عبار تش ساده و شیرین و در میان کتاب‌های نثر فارسی مقامی بس بلند و ارجمند دارد.»^{۲۱} و بالاخره دکتر عبدالحسین نوایی در این مورد می‌گوید: «نثر کتاب شیرین و روان است و با اینکه در قرن ششم نوشته شده، اما همان سادگی و روانی و جملات کوتاه و احیاناً تکرار آمیز و کمی لغات عربی قرن چهارم را هنوز حفظ کرده است و هر چند جای جای سست به نظر می‌رسد، ولی یقیناً در روزگار نخست نثری یکپارچه و منسجم داشته و بعدها بر اثر تصرف کاتبان و نسخه‌پردازان احتمالاً این سستی در نثر راه یافته است.»^{۲۲}

این کتاب که نسخه‌های خطی متعددی از آن در کتابخانه‌های معتبر دنیا وجود دارد به نوشته مدرس رضوی اولین بار توسط سرالکساندر برنز در سال ۱۸۳۲ م به اروپا برده شد. همچنین، وامبری ترجمه تلخیص شده اثر نرشخی را مورد توجه قرار داد و شارل شفر خاورشناس معروف فرانسوی آن را با حواشی ارزشمندی به زبان فرانسه ترجمه کرد.^{۲۳} در سال ۱۸۹۷ م، مستشرق روسی، ن. سی. لیکوئین تاریخ بخارا را تحت نظارت بارتولد به زبان روسی در تاشکند ترجمه نمود.^{۲۴} در سال ۱۹۵۴ م ریچارد ن. فرای این کتاب را به زبان انگلیسی درآورد.^{۲۵} قابل توجه است که فرای در تحقیق ارزنده خود با نام بخارا دستاورد قرون وسطی به کتاب تاریخ بخارای نرشخی توجهی خاص نشان داده و از آن استفاده شایانی برده است.^{۲۶} و بالاخره اینکه در سال ۱۹۶۵ م دو تن از فضلا مصر بنام‌های امین عبدالمجید بدوی و نصرالله مبشر الطرازی کتاب تاریخ بخارا را به عربی ترجمه و منتشر کردند.^{۲۷}

تاریخ بخارا در سال ۱۳۱۷ هـ. ش توسط محقق فاضل شادروان مدرس رضوی تصحیح گردید و به چاپ رسید. پس از آن در سال ۱۳۵۱ هـ. ش به اهتمام محقق

بخارا

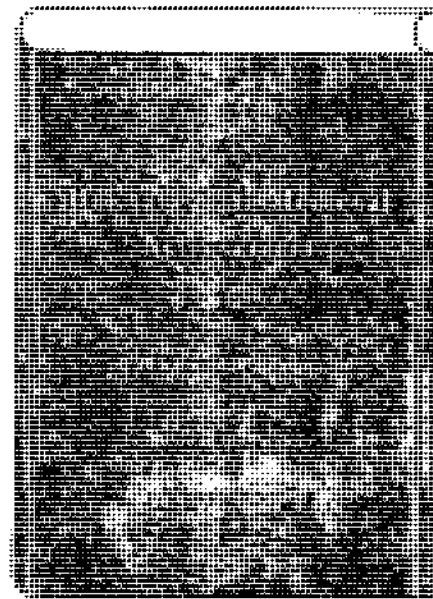
دستاورد قرون وسطی

نایب
ریچارد ن. فرای

ترجمه
محمود محمودی

◀ دوران حکومت‌های بزرگ طبیعتاً برای تدوین تواریخ گسترده مساعدتر است و در دوره‌های تجزیه سیاسی تواریخ محلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

◀ متأسفانه اصل کتاب تاریخ بخارای نرشخی به زبان عربی از میان رفته است. همچنین از ترجمه فارسی این کتاب که توسط ابونصر احمد القباوی انجام پذیرفته، اثری باقی نیست. در واقع کتابی که امروزه با نام تاریخ بخارا در دسترس ما است همان تلخیصی است که محمد بن زفر از ترجمه تاریخ بخارا به عمل آورده است.



یاد شده برای دومین بار با حواشی مفصل و تعلیقات بسیار سودمند به زیور چاپ آراسته شد. تعلیقات و حواشی مدرس رضوی بر کتاب تاریخ بخارا که تقریباً دو برابر متن اصلی کتاب را به خود اختصاص داده در نوع خویش کم نظیر است. این تعلیقات و حواشی شامل تصحیح کلمات نادرست، اشتباهات تاریخی، توضیح درباره اسامی خاص و همچنین اطلاعاتی راجع به جایگاه جغرافیایی شهرها و آبادی‌های نام برده شده در متن کتاب، معرفی اشخاص تاریخی شامل امرای سامانی، وزراء، سرداران بزرگ، علما، و نیز پاره‌ای رویدادهای مهم روزگار مورد بحث کتاب می‌باشد. این تعلیقات که با استفاده از متون معتبر تاریخی، جغرافیایی و ادبی و نیز یادداشت‌های علامه قزوینی و ریچارد. ن. فرای صورت پذیرفته،^{۲۸} برای محققانی که کتاب تاریخ بخارا را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند بسیار راهگشا و ارزشمند است.

انتشارات توس، تهران ۱۳۶۳، ص چهارده.
 ۱۱ - همان، به نقل از الانساب سمانی.
 ۱۲ - همان، صص ۴-۳ / «قبا» یکی از شهرهای آباد ولایت فرغانه در ساورا، اله شهر بوده است. رک به: جیهانی، ابوالقاسم بن احمد: اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با تعلیقات فیروز منصوری، چاپ اول، شرکت به نشر، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۹۴.
 ۱۳ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، پیشین. ص هفده / راجع به امام عبدالعزیز و فرزندان و نوادگان او که پیشوایان روحانی مردم بوده و ریاست بخارا را نیز به عهده داشته و با عنوان «آل برهان» معروفند، محمد قزوینی در تعلیقات بر لباب الالباب توضیحات مفیدی ارائه کرده است. رک به: عوفی، سدیدالدین محمد: لباب الالباب به اهتمام آوادرد براون، مطبعة بریل، لیدن ۱۳۲۱ ه. ق/ ۱۹۰۲ م صص ۲۶-۲۲۲ همچنین پریساک مقاله محققانه‌ای با عنوان آل برهان دارد. رک به Pritsak, Omeljan, Al- i Borhan, (PP 81- 95), in Der Islam, C. H. Becker, Walter, BERLIN, De Grueter & co, 1932.
 ۱۴ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، پیشین. صص ۲۶-۲۵.
 ۱۵ - همان. صص ۴-۳.
 ۱۶ - نوایی، عبدالحمین (گردآورنده): متون تاریخی به زبان فارسی، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران ۱۳۷۶، ص ۲۴.
 ۱۷ - بارتولد، و. و. پیشین، ص ۶۱
 ۱۸ - همانجا.
 ۱۹ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، پیشین، صص ۹۰-۸۹ / بارتولد عقیده دارد که احتمالاً منظور از ابراهیم «همان ابواسحق ابراهیم بن العباس الصولی شاعر نامی (متوفی به سال ۲۴۳ هجری) می‌باشد که تألیفات تاریخی هم دارد. رک به: بارتولد، و. و. پیشین. ص ۶۱
 ۲۰ - صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران. چاپ سیزدهم انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۹۷۸.
 ۲۱ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، پیشین، ص پانزده.
 ۲۲ - نوایی، عبدالحمین، پیشین، ص ۳۴.
 ۲۳ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، پیشین، صص بیست و دوالی بیست و سه.
 ۲۴ - بارتولد، و. و. پیشین، ص ۶۰
 ۲۵ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، پیشین، ص بیست و سه.
 ۲۶ - فرای، ریچارد. ن: بخارا دستور قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۵.
 ۲۷ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، پیشین، ص بیست و سه.
 ۲۸ - همان، صص بیست و چهار الی سی. □

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - زرین کوب، عبدالحمین: تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲، ص ۵۸.
- ۲ - همانجا.
- ۳ - بیهقی، ابوالحسن علی بن زید: تاریخ بیهقی، با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، چاپ سوم، کتابفروشی فروغی، تهران ۱۳۶۱، ص «ی».
- ۴ - سوازه، ژان: مدخل تاریخ شرق اسلامی. ترجمه نوش‌آفرین انصاری، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۶، ص ۴۲.
- ۵ - بارتولد، و. و. ترکستان نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول)، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، انتشارات آگاه. تهران ۱۳۶۶ ج ۱، ص ۴۵.
- ۶ - سوازه، ژان، پیشین، صص ۵۲-۵۱.
- ۷ - زرین کوب، عبدالحمین، پیشین، ص ۵۸.
- ۸ - بارتولد، و. و. پیشین، صص ۵۳-۵۱.
- ۹ - همان. ص ۵۸.
- ۱۰ - نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر: تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی. تلخیص محمد بن زفر بن عمر، به تصحیح و تحشیة سید محمد تقی مدرس رضوی، چاپ دوم،

◀ پاره‌ای از مطالب تاریخ بخارا از مشاهدات مؤلف و بعضی از شنیده‌های او از مطلعین معاصر وی می‌باشد. اما راجع به حوادث پیش از زمان مؤلف، منابع اطلاعات او آثار پیشینیان می‌باشد.

◀ مترجم کتاب (ابونصر احمد القباوی) ... در بحث راجع به المقنع با استاد به اینکه مطالب مؤلف کتاب (محمد بن جعفر نرشخی) در آن زمینه کامل نیست، با استفاده از کتاب شخصی به نام ابراهیم (که او را صاحب اخبار مقنع می‌خواند) و کتاب محمد بن جریر طبری، مطالب راجع به المقنع را کامل کرده است.

برگ اشتراک ماهنامه دین مجموعه ماهنامه‌های کتاب ماه

مشخصات مشترک:
 نام / شرکت / مؤسسه:
 شماره شناسنامه - شماره ثبت:
 میزان تحصیلات: نشانی و شماره پستی:
 تلفن و دورنگار:
 مدت اشتراک: ۱ سال (۱۲ شماره)
 هزینه اشتراک:
 ۱- داخل کشور:
 با هزینه پستی: تهران ۲۱۰۰۰ ریال
 شهرستانها: ۲۳۰۰۰ ریال
 ۲- خارج از کشور:
 الف: خاورمیانه - کشورهای همسایه با هزینه پستی ۶۰۰۰۰ ریال
 ب: اروپا - آمریکای شمالی با هزینه پستی ۶۵۰۰۰ ریال
 ج: آسیا، اقیانوسیه - خاورنور، آمریکای جنوبی با هزینه پستی ۷۰۰۰۰ ریال

لطفاً مبلغ اشتراک را برای داخل کشور به حساب شماره ۱۸۵۲۰۸۶۹ بانک تجارت ۱۸۵ شعبه انقلاب فلسطین به نام خانه کتاب واریز نموده و اصل سند بانک و برگ اشتراک را به نشانی تهران صندوق پستی ۳۱۲-۱۳۱۴۵ ارسال نمایید.
 توضیحات:
 ۱- ارسال نشریه پس از دریافت سند بانک و برگ اشتراک، از آخرین شماره منتشر شده، آغاز خواهد شد.
 ۲- در صورت تمایل به دریافت شماره‌های قبلی و اطلاعات لازم با تلفن ۶۴۴۵۶۲۵ واحد اشتراک تماس بگیرید.

(لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید)

شماره اشتراک تاریخ دریافت درخواست
 شماره شروع اشتراک شماره پایان اشتراک